

از "شورای ملی صلح" همه جانبه دفاع کنیم

پرواز شبخ جنگ و فاجعه

با بالهای مذاکره و سیاست جنگی

تشکیل "شورای ملی صلح"، بعنوان پاسخ به ضرورت‌های آشکار ناشی از موقعیت کنونی کشور، چنان اجتناب ناپذیر بود، که حتی چند ماه فاصله - از اعلام تشکیل- تا اجلاس اخیر مجمع بنیانگذاران- نیز دل نگرانی از تاخیر را موجب شده بود. این که توده مردم ایران، امروز زیر فشار سانسور اخبار و مانورهای تبلیغاتی بلند پایگان حکومتی - از جمله رهبر - ، رجز خوانی‌های فرماندهان سپاه و دروغ گوئی‌های آشکار سیمای جمهوری اسلامی و امام جمعه‌های سراسر کشور، هنوز درک و شناخت لازم را از خطری که برفراز ایران پرسه می‌زنند ندارند، نمی‌توانست دلیل و بهانه تعلل برای تشکیل این شورا باشد. خوشبختانه، با همین درک و احساس مسئولیت، بنیانگذاران شورای ملی صلح اجلاس و مجمع اخیر خود را تشکیل دادند. این اجلاس، بی‌اعتناء به بازی‌های سیاسی و دیپلماتیک حکومتی با اروپا و آژانس انرژی اتمی و حتی گشودن درهای باغ سبز به روی امریکا، گام بلند و اساسی خود را، برای دفاع از "صلح" برداشت.

اتفاقا، در جبهه مقابل نیز گام‌ها بسوی فاجعه حمله و جنگ، با همین بی‌اعتنائی به بازی‌های سیاسی و دیپلماتیک برداشته می‌شود و وقفه‌ای در آنها دیده نمی‌شود. هم از جانب امریکا و به تبع آن "اسرائیل" و هم از جانب سکنداران سیاست نظامی- اتمی در جمهوری اسلامی. این که همزمان با بازی سیاسی "مذاکره"، سپاه پاسداران آرایش جدید و جنگی به خود می‌گیرد و فرماندهان سپاه در توضیح دلیل این طرح و تغییرات ناشی از آن اشاره غیر مستقیم و حتی گاه مستقیم به جنگی تازه می‌کنند، همان نگاه استراتژیک به سیاست جنگی است که شورای ملی صلح در جهت خلاف آن، یعنی نگاه استراتژیک به "صلح" دنبال می‌کند. همین سیاست از جانب امریکا و اسرائیل نیز ادامه دارد و خاکریزهای اطراف مرزهای ایران در عراق و افغانستان سنگر بندی می‌شود. ما، در سیاست‌های داخلی حکومت نیز شاهد همین مسیر، یعنی مسیر آماده شدن برای جنگ هستیم. علاوه بر سیاست اتمی که حتی چهره‌های فهیم و دور اندیش حاکمیت و پیرامون آن نیز اعتقاد دارند می‌توان به گونه‌ای دیگر در این باره رفتار کرد تا هم به کشور لطمه‌ای وارد نیاید و هم به هدف رسید، پلیسی کردن و امنیتی کردن بی‌وقفه تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی و نظامی ساختن دو قوه مجریه و مقننه نشان دهنده ادامه حرکت به سوی فاجعه است. ما نیز امیدواریم چهره‌های فهیم حاکمیت و یا پیرامون حاکمیت بتوانند از فاجعه جنگ جلوگیری کنند و سیاست نظامی- اتمی حاکم را به سیاست آشتی ملی و حرکت به سمت صلح تبدیل کنند، گرچه هنوز شواهد، عکس آن را نشان میدهد. نه این چهره‌های فهیم و فهیم‌تر بدون بسیج مردم علیه سیاست جنگی به نقش آفرینان اصلی تبدیل خواهند شد و نه جنبش پراکنده صلح بسیج کننده مردم مخالف جنگ خواهد بود. به همین دلیل "شورای ملی صلح" بعنوان پایه گذار یک جنبش منسجم مدافع صلح و مخالف سیاست جنگی- اتمی حاکم می‌تواند و باید آن بازویی برای صلح و تغییر سیاست جنگی باشد که چهره‌های فهیم و فهیم‌تر درون و حاشیه حاکمیت نیز بدان نیازمنداند و از این طریق زمینه ساز تحولات در ساختار حاکمیت نیز شود. با این نگاه به ضرورت‌های لحظه و شرایط و نیاز به جلب و جذب وسیع ترین نیروی داخل و خارج حاکمیت برای فراهم آمدن و فراهم ساختن امکانات ارتباط بیشتر با مردم و بسیج آنها برای صلح است که نرم ترین شعارها و سیاست‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد. این که امروز، هنوز دو دیدگاه مورد اشاره ما در حاکمیت و حاشیه حاکمیت آشکارا در برابر هم قرار نگرفته‌اند، نمی‌تواند نفی کننده ضرورت

سیاست‌های جذب‌کننده‌ای باشد که به آن اشاره شد. این امکان که با نزدیک‌تر شدن خطر جنگ انشقاق و جدائی سیاسی حتی در میان فرماندهان سپاه نیز - علیرغم همه مهره چینی‌های جدید در ساختار سپاه- بروز خواهد کرد، حتی اگر یک احتمال باشد نیز باید آن را در نظر گرفت. جنبش مدافع صلح و علیه سیاست جنگی و نظامی حاکم به وسیع‌ترین نیرو نیازمند است. توده مردم ایران که نقش آفرین اصلی و واقعی دفاع از صلح و مخالفت با جنگ‌اند، امروز زیر فشار کمر شکن گرانی و فقر به هسته مرکزی و دلیل واقعی روز به روز نزدیک‌تر می‌شوند. حتی در ناسزاگوئی‌های خیابانی مردم و یا جملات تمسخرآمیزی که خطاب به حاکمیت بیان می‌کنند، نشانه‌های نزدیک شدن مردم به شناخت ریشه‌های وضع موجود و یا حداقل به نقش سیاست نظامی- اتمی در این وضع دیده می‌شود. تنها کافی است که این شناخت به عمق راه یابد تا صلح خواهی امروز، در فردای شکست سیاست جنگی، به تحول خواهی اساسی تبدیل شود.

با این نگرش و بینش است که راه توده، بعنوان دنبال‌کننده "مشی" و "سیاست" توده‌ای از آستانه انتخابات منجر به رئیس‌جمهور شدن احمدی نژاد تا همین شماره که می‌خوانید بر ضرورت جبهه وسیع صلح پای فشرد و تقریباً هیچ شماره آن، در این دوران از تأکید بر این ضرورت غافل نبوده است. این وسیع‌ترین، توده‌ای‌ترین و واقع بین‌ترین جبهه ایست که در شرایط کنونی می‌تواند تشکیل شود. مهم نیست که نام آن چیست، مهم آنست که محتوای آن مخالفت با جنگ و سیاست جنگی و نظامی باشد. با عبور از این مرحله و تغییر این سیاست و یا حتی فردای شکست سیاست جنگی، این جبهه می‌تواند با همین نام و یا هر نام دیگری مبتکر و یا خواهان تغییر در ساختار حاکم شود و اجازه ندهد جنگ طلبان و کسانی که مبتکر و مجری سیاست جنگی بوده‌اند، پس از تغییر و یا شکست این سیاست نیز همچنان سکandar باقی بمانند.

راه توده ۱۸۶ ۲۰۰۸، ۲۱، ۰۷